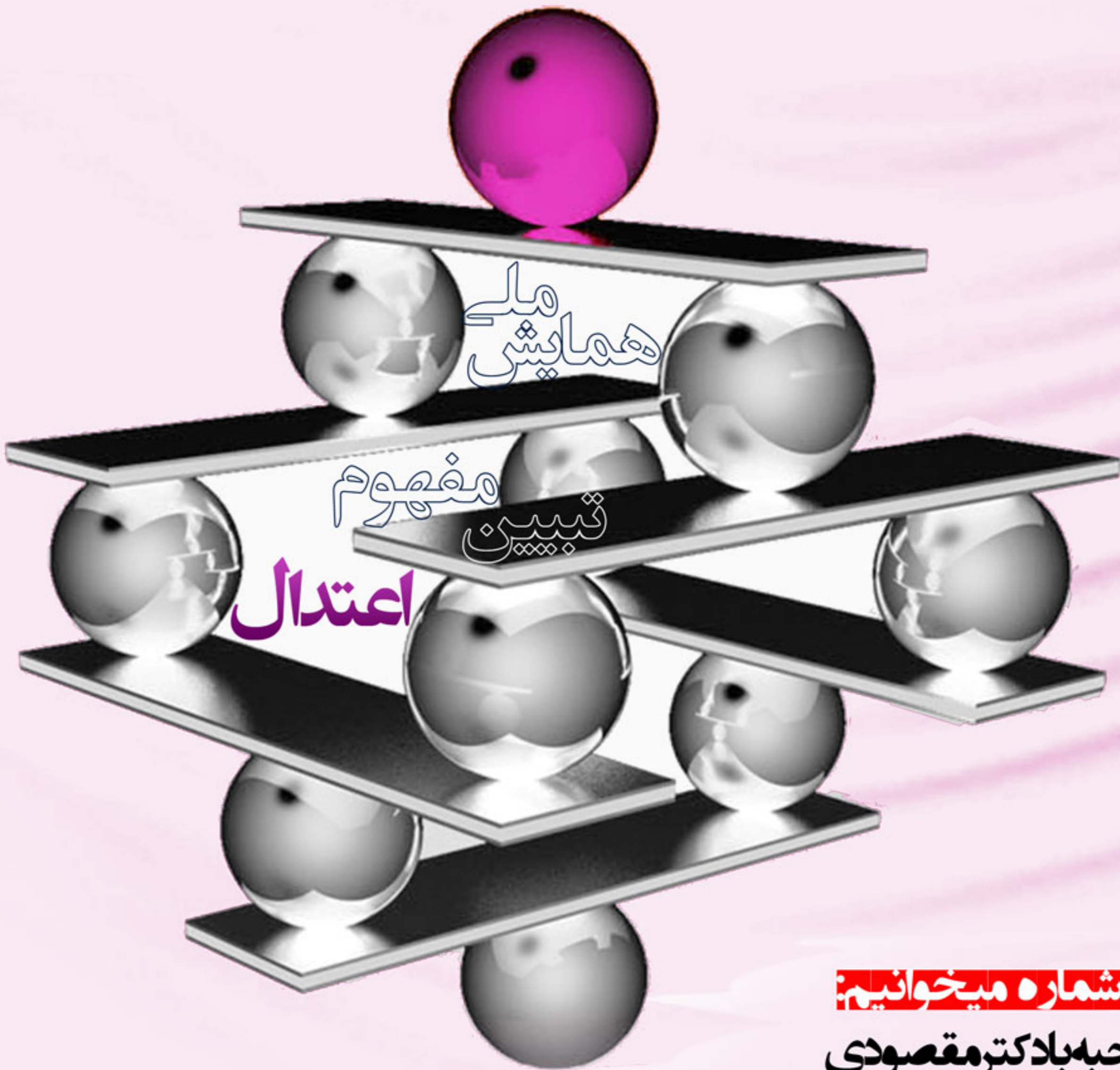


خبرنامه انجمن علوم سیاسی ایران

سال اول شماره اول آبان ۱۳۹۲



در این شماره میخوانیم:

- مصاحبه با دکتر مقصودی
- در کجا ایستاده ایم؟
- مدرنیته پروژه ای ناتمام
- اخبار انجمن علوم سیاسی ایران
- آشنایی با انجمن های دانشجویی حوزه دانش سیاست

انجمن علوم سیاسی ایران

خبرنامه



شناسنامه خبرنامه انجمن علوم سیاسی

دوره انتشار: ماهنامه
شماره اول - سال اول - آبان ۱۳۹۲
زبان: فارسی
صاحب امتیاز: انجمن علوم سیاسی ایران
مدیرمسئول: دکتر امیر دبیری مهر
سردبیر: سینا صابریان
هیئت تحریریه: مارال بیابان پیمان، مریم سلیمی، بهار آمی زاده، مریم باقری، ماندانا سجادی، محمد مهدی فرهنگی، محمد آوخ، علیرضا باقری
گرافیک: محمد مهدی فرهنگی
عکس: محمد آوخ
با تشکر از: خانم ها مقدس و باحجب قدسی
محل انتشار: تهران
تلفن: ۶۶۹۷۴۱۴۰ - ۶۶۹۷۴۱۴۰
نمبر: ۸۱۰۳۲۳۲۰
نشانی: خیابان انقلاب، خیابان لبافی نژاد، بین خیابان دانشگاه و فخر رازی، پلاک ۱
سایت: www.ipsa.ir
پست الکترونیک: info@ipsa.ir

فهرست

حرف اول / دکتر دبیری مهر ۳
اخبار انجمن ۴

انجمن های دانشجویی حوزه دانش سیاست / مریم باقری .. ۵
تبریک و تهنیت به دکتر ربیعی و دکتر سلیمی ۵
مصاحبه با دکتر مقصودی رئیس انجمن / مارال بیابان پیمان ۶
معرفی پژوهشنامه علوم سیاسی / بهار آمی زاده ۸

نظریه انحطاط و پاسخ های دکتر طباطبایی ۹
گزارش بازتاب نشست در کجا ایستاده ایم؟ / منصور براتی ۱۳
مدرنیته پروژه ای ناتمام / دکتر رحمانی زاده دهکردی ۱۴
گزارشی از سایت جدید انجمن / محمد مهدی فرهنگی ۱۶

اطلاعیه کار گروه های آموزشی انجمن ۱۷
ویژه نامه گزارش همایش ملی تبیین مفهوم اعتدال (ضمیمه)



سینا صابریان

هدف از انتشار خبرنامه انجمن علوم سیاسی

دکتر امیر دبیری مهر
دبیر کمیته روابط عمومی و اطلاع رسانی انجمن علوم سیاسی ایران

■ تدوین طرح خبرنامه ی انجمن بر حسب نیازهای ارتباطی و اطلاع رسانی، آخرین روزهای تابستان سال جاری در دستور کار کمیته روابط عمومی انجمن علوم سیاسی قرار گرفت. در این طرح، مطالب در بخش خبرهای داخلی انجمن شامل فعالیت های همکاران علمی و پژوهشی، فعالیت های همکاران اجرایی، فعالیت های دانشجویان و دانش آموزان (اعضا)، شعبات انجمن، فصلنامه و مقالات رسیده، نشست ها و همایش و همچنین خبرهای رشته علوم سیاسی شامل همایش ها و نشست های دانشگاه ها و دانشکده ها و انجمن های دانشجویی، دانشگاه ها و مجامع بین المللی علوم سیاسی در نظر گرفته شدند. و در نهایت با تلاش اعضای هیات تحریریه ای مرکب از اعضای کمیته روابط عمومی اولین شماره از این خبرنامه آماده شده و پیش روی شماست. اعضای هیات تحریریه این خبرنامه از فعالان و اعضای انجمن علوم سیاسی می باشند. بدیهی است که تدویم بهتر این عملکرد به همکاری و یاری شما سیاست پژوهان و دوست داران دانش سیاست بسته است. خواهشمندم در صورتی که خبرنامه انجمن علوم سیاسی ایران را مناسب دیدید، آن را برای دوستانتان هم ارسال نمایید.

■ بعد از سالها فعالیت انجمن علوم سیاسی ایران پیرامون مسائل مختلف علم سیاست و دستاوردهای ارزشمند علمی و پژوهشی این انجمن انتظارات به حق اعضای انجمن و جامعه علوم سیاسی کشور ایجاب می کند سطح و نوع اطلاع رسانی از سوی انجمن ارتقا یافته و متناسب با مقدرات در حدی حرفه ای ارایه شود. براین اساس در آخرین تصمیم هیات مدیره محترم انجمن کمیته روابط عمومی و اطلاع رسانی انجمن تشکیل و مقرر شد فرایند اطلاع رسانی فعالیت های انجمن در دو بعد کمی و کیفی گسترش و تعمیق یابد. برخی از برنامه های این کمیته که اقدامات اولیه آن انجام شده است عبارتند از: رونمایی از سایت جدید انجمن با امکانات بیشتر، ایجاد ارتباط با دانشکده های علوم سیاسی در سراسر کشور برای اطلاع رسانی تخصصی، پوشش بهتر و جامع تر برنامه های انجمن که روز به روز در حال افزایش است، ارایه گزارش مستمر از فعالیت های کمیته های تخصصی انجمن و انتشار خبرنامه ای به منظور تجمیع این اخبار و ثبت و ضبط رویدادهای مرتبط به انجمن و جامعه علوم سیاسی ایران.

خبرنامه ای که پیش روی شماست شماره نخست خبرنامه انجمن علوم سیاسی ایران است که طبیعتاً حاوی نقاط ضعف و کمبودهای فراوانی در قیاس با رویدادهای مهم و قابل توجه حوزه علوم سیاسی است اما امید است عزم و تلاش تعدادی از پژوهشگران و دانشجویان علوم سیاسی در قالب کمیته روابط عمومی و اطلاع رسانی انجمن علوم سیاسی ایران برای تهیه این خبرنامه مورد توجه شما عزیزان قرار گرفته و با ارایه نظرات و پیشنهادهای خود بویژه با مشارکت ارزشمند خود در ارتقای سطح محتوایی شماره های بعدی ایفای نقش فرمایید. تلاش ما این است که فعلاً این خبرنامه بصورت ماهانه و در دو شکل الکترونیکی و چاپی تهیه شود و در اختیار علاقمندان قرار گیرد اما در آینده متناسب با بازخوردها و افزایش امکانات و همکاری های اعضای محترم انجمن و جامعه علوم سیاسی کشور می تواند دوره های انتشار را کوتاه تر نمود و حجم مطالب قابل استفاده آن را نیز افزایش داد. در این مسیر چشم به راه همکاری و همفکری همه اعضای فرهیخته جامعه علوم سیاسی کشور هستیم.

مجمع عمومی عادی و فوق العاده انجمن علوم سیاسی ایران

آخرین پنجشنبه خرداد ماه، مجمع عمومی عادی و فوق العاده انجمن علوم سیاسی ایران در خانه اندیشمندان علوم انسانی با حضور جمع کثیری از اعضاء پیوسته انجمن و با نظارت نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد. دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده ایجاد شعبات داخلی و خارجی بود که با اجماع نظر شرکت کنندگان مورد تصویب واقع گردید.

مجمع عمومی عادی انجمن نیز پس از استماع سخنان و گزارش رییس، خزانه دار و بازرس به برگزاری پنجمین دوره انتخابات انجمن پرداخت و به ترتیب آراء؛ دکتر مجتبی مقصودی، دکتر حسین سلیمی، دکتر محمد کاظم سجادیپور، دکتر علی ربیعی و دکتر قاسم افتخاری به عنوان اعضاء اصلی هیات مدیره انجمن و دکتر علی مرشد زاد و دکتر رضا جلالی به عنوان اعضاء علی البدل برگزیده شدند. در این انتخابات، دکتر طاهره ابراهیمی فر و دکتر جعفر حق پناه به عنوان بازرسین اصلی و علی البدل انتخاب شدند. هیات مدیره جدید پس از انتخابات در بعدازظهر همان روز، در اولین جلسه ی خود مبادرت به تعیین مسئولین انجمن نمود که به اتفاق آراء دکتر مجتبی مقصودی، دکتر حسین سلیمی و دکتر سجادیپور به عنوان رییس، نایب رییس و خزانه دار انتخاب شدند.

مراسم معارفه ریاست جدید دانشگاه علامه طباطبایی

سالن شهید بهشتی دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، سه شنبه مورخ ۲۷ شهریور ماه ۹۲، میزبان استادان، دانشجویان، کارمندان دانشگاه علامه و هم چنین دکتر توفیقی، سرپرست وزارت علوم، بود. جشن معارفه دکتر سلیمی در حالی برگزار شد که دکتر صدرالدین شریعتی، رئیس سابق دانشگاه، حضور نداشتند. دکتر سلیمی پیش از این ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی و معاونت فرهنگی - دانشجویی دانشگاه را به عهده داشتند. سلیمی در این مراسم ضمن تشکر از زحمات صدرالدین شریعتی، بهبود کیفی دانشگاه را نوید دادند. جشن معارفه در حالی به پایان رسید که دانشجویان با شعارهای متعدد، خرسندی و امیدواری خود را از انتصاب ریاست جدید ابراز نمودند.

تخفیف کارگاه های آموزشی پاییز و زمستان برای اعضا

دور جدید کارگاه های آموزشی در راستای تحقق اهداف آموزشی و ارتقای سطح دانش و توانمندی کاربردی دانش پژوهان رشته های علوم سیاسی، روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای در فصل پاییز و زمستان با ۳۰٪ تخفیف برای اعضاء انجمن برگزار می شود.

سلسله نشست های بررسی مقالات تاثیر گذار جهانی

انجمن علوم سیاسی ایران مدتی است به همت کمیته ی دانشجویی خود، نشست هایی تحت عنوان بررسی مقالات تاثیر گذار جهانی را در دستور کار قرار داده است. اولین نشست عصر سه شنبه ۹ مهرماه با حضور جمعی از دانشجویان و اساتید علم سیاست در دفتر مرکزی انجمن با سخنرانی دکتر حمیدرضا رحمانی زاده دهکردی استادیار دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شد. دکتر دهکردی به تبیین و توضیح مقاله ای از یورگن هابرماس تحت عنوان "مدرنتیه، پروژه ی ناتمام" پرداخت. در ادامه ی این سلسله نشست ها، روزهای ۱۴ و ۲۱ مهرماه نیز نشست هایی با حضور دکتر سید جواد طباطبایی و دکتر حاتم قادری در خانه ی اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد که با استقبال بی نظیر علاقه مندان به مباحث سیاسی روبه رو شد. خبر این نشست ها از تارنمای انجمن علوم سیاسی قابل پیگیری می باشد.

چشم انداز تعاملات فرهنگی ایران و اقلیم کردستان عراق

در این همایش چهار سخنران مختلف به بیان دیدگاههای مختلف خود پرداختند. احسان هوشمند، روزنامه نگار و فعال فرهنگی، ضمن ارائه گزارشی از پیشرفت های در حال وقوع در کردستان عراق خواهان افزایش تعاملات طرفین بخصوص در عرصه های علمی، فرهنگی و پژوهشی شد. دکتر محمد صدیق جگرخون نیز، جانشین دفتر اقلیم کردستان عراق در تهران، نیز ضمن خوب ارزیابی کردن روابط رسمی و دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی ایران و اقلیم کردستان عراق گفت: «هنوز ظرفیت های خالی زیادی برای ارتقای رابطه وجود دارد که می بایست مسئولان دو طرف برای ارتقای آن و رسیدن به سطح مطلوب بکوشند.»

ششمین همایش سالیانه موسسه مطالعات ملی

موسسه مطالعات ملی با همکاری انجمن علوم سیاسی ایران و خانه اندیشمندان علوم انسانی همایش فضای مجازی و هویت را در بهمن ماه سال ۹۲ برگزار می کند. محور های همایش در چهار عنوان، فضای مجازی و هویت، فضای مجازی و هویت ایرانی - اسلامی، فضای مجازی و تحولات هویتی در ایران، آینده شناسی هویت ایرانی - اسلامی در فضای مجازی می باشد. همچنین مهلت ارسال چکیده آثار تا ۹۲/۹/۲۰ و مهلت ارسال اصل مقالات حداکثر تا تاریخ ۹۲/۱۰/۲۵ بوده و اطلاعات تکمیلی نیز در سایت انجمن علوم سیاسی و سایت موسسه مطالعات ملی درج شده است.



مریم باقری

انجمن های دانشجویی حوزه دانش سیاست

■ در این بخش بنا بر آن است تا انجمن های دانشجویی فعال در حوزه ی دانش سیاست در دانشگاه های کشور معرفی شده و گزارشی از برنامه ها و فعالیت هایشان ارائه گردد. در اولین بخش مروری کلی بر دانشگاه های پایتخت شده است.

رشته علوم سیاسی و گرایش های مرتبط با این رشته تحصیلی در مقاطع تحصیلات تکمیلی در دانشگاه های مطرح تهران تدریس می شود. علاوه بر رشته ها تعدادی از کانون ها و انجمن های دانشجویی که در این دانشگاه ها در حوزه دانش سیاست فعال می باشند در زیر معرفی شده اند.

دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه پیشرو در رشته علوم سیاسی تا مقطع دکتری دانشجویی پذیرد همچنین در رشته مطالعات منطقه ای و روابط بین الملل در مقاطع ارشد و دکتری دانشجوی جذب می نماید. انجمن علوم سیاسی این دانشگاه با فعالیتهای مختلفی از قبیل کارگاه آشنایی با گرایش ها و ظرفیت های رشته علوم سیاسی به کار خود ادامه می دهد.

دانشگاه شهید بهشتی در رشته علوم سیاسی تا مقطع دکتری و روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای از دوره ارشد تا دکتری دانشجویی پذیرد. انجمن علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی فعالیتهایی از قبیل برگزاری بازدیدهای علمی و کارگاههای علمی و آموزشی را برگزار می کند.

دانشگاه تربیت مدرس در رشته علوم سیاسی تنها در مقطع دکتری پذیرش دارد و رشته روابط بین الملل را در مقطع دکتری پذیرا است. انجمن دانشجویی روابط بین الملل این دانشگاه که همزمان با اولین ورودی های خود در سال ۸۸ تشکیل شده است

خبرنامه روابط بین الملل را در کنار دیگر فعالیت ها منتشر می کند. دانشگاه امام صادق در مقاطع ارشد و دکتری رشته ای با عنوان معارف اسلامی و علوم سیاسی دارد و در مقطع ارشد نیز رشته معارف اسلامی و روابط بین الملل را ارائه داده است. انجمن علوم سیاسی دانشگاه امام صادق فعالیتهای علمی از قبیل کارگاه فن ترجمه را از سوی انجمن برگزار می کند.

تبریک و تهنیت



جناب آقای
دکتر علی ربیع

انتخاب شایسته جنابعالی را به عنوان وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی تبریک عرض نموده و برای شما از خداوند متعال آرزوی توفیق و سربلندی مسئلت می نمایم. باشد که تجارب و توانمندی های ارزنده شما، گامهای بلندتری در این عرصه را رقم زند.



جناب آقای
دکتر حسین سلیمی

انتصاب جنابعالی را به ریاست بزرگترین دانشگاه علوم انسانی خاورمیانه، تبریک عرض می نمایم. این انتصاب شایسته به حتم می تواند فرصت های روشنی را برای اساتید، دانشجویان و پژوهشگران در دانشگاه علامه طباطبائی فراهم آورد.



مارال بیابان پیما

مصاحبه با دکتر مقصودی

رئیس انجمن علوم سیاسی ایران



تاسیس علوم سیاسی ایران در قالب انتشار آگهی تغییرات در روزنامه رسمی جایگزین انجمن قبلی شد و از بدو شروع فعالیت ها، عملاً قدمتی سه دهه ای یافت!

• هدف از تأسیس انجمن چیست؟

گسترش، پیشبرد ارتقاء سطح دانش سیاست، هویت بخشی به این علم و کارا ساختن آن از طریق هم افزایی علمی، به روزسازی و انجام فعالیت های مشترک علمی - پژوهشی، بهبود وضعیت آموزش، توسعه کیفی نیروی انسانی و توانمند سازی آن

• دبیر انجمن چگونه و برای چه مدت زمانی انتخاب می شود؟

هیات مدیره از طریق انتخابات مجمع عمومی انجمن و ترکیب هیات مدیره نیز به لحاظ تعیین مسئولیت ها از جمله تعیین رئیس، نایب رئیس و خزانه دار در اولین جلسه هیات مدیره برگزیده می شوند که در حال حاضر هر سه سال یکبار این انتخابات انجام می شود. تاکنون انجمن پنج بار انتخابات هیات مدیره را برگزار کرده است. آخرین انتخابات یا انتخابات دوره پنجم در سی ام خرداد ماه سال جاری در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد که در این انتخابات علاوه بر بنده آقایان دکتر حسین سلیمی، دکتر محمد کاظم سجادیپور، دکتر علی ربیعی و دکتر قاسم افتخاری به عنوان اعضاء هیات مدیره و خانم دکتر طاهره ابراهیمی فر به عنوان بازرس برگزیده شدند.

• انجمن طی سال های گذشته فعالیت های چشمگیری داشته است. این فعالیت ها به چند بخش تقسیم می شود (آیا امکان دارد فهرست کاملی از این فعالیت ها داشته باشیم؟)

در بخش پژوهش های ملی، انجام چهار پروژه موفق در سطح ملی شامل؛ ممیزی مطالعات امنیتی، ممیزی مطالعات علوم سیاسی، ممیزی مطالعات قومیت و توسعه سیاسی با معاونت فناوری ریاست جمهوری و دبیرخانه مجمع تشخیص در کارنامه انجمن دیده می شود. انتشار ۳۰ شماره فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه علوم سیاسی، برگزاری ۷ همایش سالانه و انتشار ۷ جلد چکیده و سه جلد مجموعه مقالات همایش ها، مشارکت در برگزاری ده همایش دیگر با نهادهای علمی - پژوهشی و اجرایی کشور، راه اندازی ۷ کمیته علمی شامل؛ کمیته های جامعه شناسی سیاسی ایران، روابط بین المللی، مطالعات منطقه ای، اندیشه سیاسی، اقتصاد سیاسی، دانشجویی، روابط عمومی و اطلاع رسانی، برگزاری همایش یادمان فرهیختگان دانش سیاست و تجلیل از مرحوم دکتر حمید عنایت و آقای دکتر قاسم افتخاری و اهداء تندیس یادمان، برگزاری ۱۹ عنوان نشست علمی و ۱۳ جلسه نقد و بررسی کتاب، ۱۰ عنوان کارگاه آموزشی، راه اندازی ۵ سایت و تارنما، امضاء ۸ تفاهم نامه در سطح ملی، راه اندازی دو دفتر منطقه در تبریز و زنجان و نهایتاً تدوین برنامه راهبردی انجمن در زمره فعالیت های انجمن است که به صورت خلاصه ذکر شد.

* قبل از هر چیز خواهشمندم ضمن معرفی خود و سوابق پژوهشی، به عنوان رئیس انجمن علوم سیاسی ایران، به سؤالاتی در خصوص تأسیس انجمن پاسخ دهید.

مجتبی مقصودی دانشیار پایه ۱۹ گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز هستم از ترم دوم سال ۱۳۶۳ وارد دانشگاه تهران شدم و در واقع از اولین ورودی ها به دانشگاه بعد از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه هستم در سال ۱۳۷۸ در این رشته با رساله ای در باره بحران های قومی در دوران معاصر ایران فارغ التحصیل شدم. از واحد مرکزی خبر تا هفته نامه مشعل و روزنامه ابرار قلم زدم و به علاوه سال ها در دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس و موسسه مطالعات ملی، دبیرخانه مجمع تشخیص فعالیت داشته ام. تمرکز مطالعاتی من بر جامعه شناسی سیاسی ایران و به ویژه جامعه شناسی اقوام است و اکثر آثار قلمی و مطالعاتی من با ۷ کتاب و حدود ۸۰ مقاله و ۴۰ سخنرانی در حوزه مسایل ایران بوده و در حال حاضر علاوه بر عضویت در تحریریه چند فصلنامه معتبر علمی - پژوهشی مدیر مسئول فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی می باشم و دبیر علمی سه همایش ملی و مدیر چهار پروژه در سطح ملی بوده ام.

• انجمن در چه زمانی و با طرح اولیه چه شخص یا اشخاصی تأسیس شد؟

از سال ۱۳۸۱ پیگیری های اینجانب در کمیسیون انجمن های علمی کشور با مشارکت ۱۸ نفر از اساتید دانشگاه های مختلف کشور آغاز شد که در سال ۱۳۸۲ موفق به اخذ اولین مجوزها و تشکیل جلسات هیات موسس در دانشگاه تربیت مدرس و مجمع عمومی در زمستان همان سال در دانشگاه تهران و سپس رسمیت بخشیدن بدان در ثبت شرکت های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شدم. پیش از آن تلاش های پراکنده ای برای راه اندازی انجمن از طریق کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور آغاز شده که نیمه کاره رها شده بود.

مزید اطلاع، به هنگام ثبت انجمن در ثبت شرکت ها مشخص شد انجمن در اواسط دهه ۱۳۵۰ توسط برخی از شخصیت های معروف آن زمان نظیر منوچهر گنجی وزیر فرهنگ وقت، عنایت الله رضا، سیروس الهی و چهارازی سابقه ثبت داشته و به صورت رسمی دفتر آن در سازمان برنامه و بودجه پیش بینی شده است. علیرغم این تاسیس رسمی، هیچ فعالیتی ننموده و بنظر می رسد با بروز التهابات سیاسی در سال های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ فرصت و مجال هیگونه فعالیتی نیافت و در پس از پیروزی انقلاب به فراموشی سپرده است. در سال ۱۳۸۲ به دنبال پیگیری های بنده و اخذ مجوز از وزارت علوم، انجمن تازه



همکاران به انجمن بزرگترین سرمایه اجتماعی و علمی انجمن محسوب می شود که ظرفیت های بالایی را برای هرگونه فعالیت علمی- پژوهشی به صورت سریع با رعایت بالاترین استانداردها فراهم ساخته است؛ از طرفی همکاری نهادها و ارگان های دولتی با انجمن سیر صعودی به خود گرفته است و این نشان از اعتماد دو سویه از سوی هر دو طرف است. برگزاری همایش تبیین مفهوم اعتدال با حضور سرشناس ترین صاحب نظران آکادمیک کشور و با رویکردی عالمانه و منصفانه و متعادل، نشان از چنین سمت و سویی دارد.

• در طول این سال ها موانع پیش روی انجمن را چگونه ارزیابی می کنید؟ در صورت وجود موانع، راه برون رفت از آن را چه می دانید؟

مهمترین موانع و آفت؛ "دولتی سازی"، "اپوزیسیون سازی"، "نگاه ابزاری"، "پشت گود نشینی و شعار زدگی"، "ضعف احساس مسئولیت نسبت به وضعیت رشته و عدم همکاری داوطلبانه" است که در طول سال های اخیر از سوی برخی از افراد و نیروها پیگیری شده است؛ راه حل این موانع در مسئولیت پذیری رشته ای، انجام کار داوطلبانه، واقع گرایی، عملگرایی، توانمندسازی و مستقل بودن است و بدین لحاظ باید بکوشیم این سرمایه عظیم اجتماعی را حفظ و ارتقاء ببخشیم.

• به عنوان سؤال آخر، در یک شمای کلی، انجمن برای سال های پیش رو چه برنامه هایی در نظر دارد؟ شما به عنوان دبیر انجمن، چه انتظاری از دانش دوستان علم سیاست دارید؟

کادر سازی، ظرفیت سازی و توانمندسازی اعضا به ویژه دانشجویان و پژوهشگران جوان، گسترش عمودی و افقی فعالیت های انجمن به کل کشور و افزایش ارتباطات بین رشته ای و همکاری با دیگر انجمن ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی، راه اندازی دفاتر استانی و جلب و جذب مشارکت استادان، پژوهشگران و دانشجویان به ویژه در شهرستان ها، آغاز فعالیت های برون مرزی، افزایش مکانیزم های انگیزشی و تجلیل از آثار برتر در حوزه کتاب، مقاله و پایان نامه و نیز تهیه، تدوین، آماده سازی و انتشار کتاب عملکرد دهساله انجمن از جمله برنامه های انجمن است. انجمن امیدوار است متولیان نظام آموزش عالی با رویکردی فراگیر و همه جانبه نگر و با اعتماد به انجمن علوم سیاسی ایران اصلاح سرفصل رشته را به این مجموعه واگذار نمایند.

در پایان اگر بخواهم انتظار و یا درخواستی را مطرح نمایم؛ انتظار مشارکت، همراهی و مسئولیت پذیری همه دوستان این حوزه نسبت به سرنوشت این حوزه ی علمی و فعالیت های انجمن است. بنده در همین جا دست یاری به سوی همه همکاران دانشگاهی، پژوهشگران و دانشجویان دراز می کنم و از همه دوستان ارجمند درخواست مساعدت می نمایم.

تاکید می کنم که درب انجمن به روی همه علاقمندان این حوزه باز است و قطعا هر یک از دوستان و همکاران از ظرفیت ها، توانمندی ها و مزیت های نسبی برخوردارند که با عرضه آن به انجمن علوم سیاسی ایران، این حوزه را بیش از پیش تقویت، توانمند و تاثیر گذار می سازیم. کلام آخر آنکه، فعالیت های انجمن و هیات مدیره و شخص بنده به عنوان رییس انجمن بی عیب و نقص نبوده و کاهش نقاط ضعف و اصلاح امورات انجمن نیازمند مشارکت و احساس مسئولیت همه دوستان و همکاران است.

• بازخورد فعالیت های انجمن و دستاوردهای آن را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا انجمن توانسته است به اهداف مورد نظر خود دست پیدا کند؟

قضاوت اصلی با مخاطبین انجمن می باشد. در مجموع بازخورد فعالیت های انجمن را مثبت می بینم. انجمن در حال حاضر با ۳۵۰ عضو و ۱۰۰ عضو درگیر در فعالیت های جاری در کمیته های تخصصی، کارگاه ها، سایت ها و تارنماها و فصلنامه دستاورد عظیمی را به نام خود به ثبت رسانده است. فراموش نکنیم که اولاً انجمن نهاد دولتی نیست و لذا برخوردار از امکانات دولتی نمی باشد. ثانیاً با تلاش داوطلبانه اعضا اداره می شود. ثالثاً وظیفه اصلی در این حوزه بر عهده نهادهای رسمی متولی نظام آموزشی است. به علاوه این نهاد بسیار نوپا است و نباید قضاوت عجولانه کرد.

• به نظر شما آیا انجمن در راستای ارتقا کیفی دانش سیاسی در ایران مؤثر بوده است؟

بله. انجمن با گذار از تعریف و توصیف دانش سیاست، نقد و بررسی عملکرد رشته و دروس و سرفصل ها از درون، رصد همزمان تحولات سیاسی داخلی و بین المللی از جمله تحولات اخیر خاورمیانه، حرکت به سمت بومی- ایرانی سازی رشته، آینده پژوهی و گفتمان سازی حرکت کرده است. بنظر می رسد حرکت به سمت گفتمان سازی و یا حداقل تولید گفتار دوستی در فضای تنش آلود هشت سال اخیر بزرگترین دستاورد انجمن بوده که هیات مدیره انجمن با واقع بینی و آینده نگری دهه چهارم انقلاب را با دوستی، مدارا و تدبیر توأم دیده و قبل از انتخابات خرداد ۱۳۸۲ با یکصد مقاله این رویکرد را تقویت کرده است.

• در تاریخ چندین ساله تأسیس انجمن، آیا می توان نقطه عطفی را مشاهده کرد؟ تحول یا تحولاتی که موجب تغییرات در سطح کیفی انجمن گردیده باشد؟

خود تأسیس انجمن علوم سیاسی ایران به عنوان نهادی مستقل، خودجوش و داوطلبانه نقطه عطفی در تاریخ دانش سیاست است چرا که پس از تأسیس مدرسه علوم سیاسی و سپس دانشگاه ها و دانشگاههای مختلف توسط دستگاه دولت، راه اندازی چنین نهادی از سوی کنشگران علمی این حوزه بی سابقه است.

مشخصاً در خصوص این نهاد نوپا، هر چند این تاریخ کوتاه است ولی "نهاد سازی" و "اعتمادسازی" و "هویت بخشی به رشته" مهمترین دستاورد و نقطه عطف برای انجمن و دانش سیاست کشور بوده است که رشد شتابان کمی و کیفی، عمودی و افقی انجمن را رقم زده است. از دپارتمان های علوم سیاسی تهران و تبریز تا زنجان، از آزادشهر تا مشهد، از اهواز تا زاهدان، بابلسر و یاسوج و ... هریک به سهم خویش در این مهم سهیم اند و به شکلی احساس مسئولیت می نمایند.

• همکاری دانشگاهیان و دولتمردان با انجمن چگونه بوده است؟
در سال های اولیه تأسیس انجمن، این نهاد به دلایل مختلف و از سوی برخی افراد، گروه ها و دستگاه های دولتی و غیر دولتی با سیاست نفی، سکوت، نادیده شده و حذف مواجه بوده است.

در حال حاضر اوضاع بسیار بهتر از گذشته است. به رسمیت شناخته شدن انجمن توسط همکاران دانشگاهی در اقصی نقاط کشور و نیز دولتمردان دستاورد کوچکی نیست که بتوان نادیده انگاشت، اعتماد



بهار آمري زاده

علم‌شناسی پژوهشنامه

اولین شماره "پژوهشنامه علوم سیاسی" انجمن علمی علوم سیاسی، ایران با درجه علمی - پژوهشی در زمستان ۱۳۸۴ منتشر گردیده است و پس از آن انتشار این پژوهشنامه هم چنان ادامه دارد. دو شماره اخیر دوره هشتم فصلنامه که در تاریخ زمستان ۹۱ و بهار ۹۲ منتشر شده، حاوی مقالات ارزشمند استادان و دانشجویان علم سیاست است.

■ دوره ۸، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۱

۱. تحلیل تئوریک جایگاه انواع دیپلماسی اجبارآمیز در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (براساس تئوری سازه‌نگاری) بهادر امینیان جزی؛ محسن عسگریان؛ عباسعلی توتونچی
۲. مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران حسین پوراحمدی؛ امیر عباس خوشکار
۳. تحلیلی بر ژئوپولیتیک مرزهای عمان با کشورهای همجوار اصغر جعفری ولدانی؛ رامین جعفری ولدانی
۴. جایگاه بازدارندگی متعارف در استراتژی دفاعی دولت باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران محمد جمشیدی
۵. کاربرد نظریه بازی ها و نهادگرایی نئولیبرال در تحلیل رفتار بازی گران اصلی اپک گازی فرهاد دانش نیا
۶. جایگاه چین در اقتصاد انرژی خلیج فارس (با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران) عباس مصلی نژاد؛ محمدرضا حق شناس
۷. هفت قاعده سیاست خارجی نفتی سعید میرترابی

■ دوره ۸، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲

۱. جامعه‌شناسی سیاسی موبایل: تأثیر تلفن همراه بر زندگی سیاسی مجتبی قلی‌پور؛ حیدر شهریاری
۲. آسیب‌شناسی دولت در ایران در دوره پهلوی: فساد سیاسی به روایت اسناد احمد گل‌محمدی
۳. تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰ احمد سلطانی‌نژاد؛ مسعود موسوی شفائی؛ الهام اسدی‌نژاد
۴. دولت قانون، سیاست‌های تقنینی و شرایط اجتماعی؛ بررسی جامعه‌شناختی سیاست‌های تقنینی دولت پس از انقلاب اسلامی با اتکا به تحلیل قانون مطبوعات علی محمد حاضری؛ رحیم محمدی
۵. نیروهای اجتماعی شبکه‌ای: مفهوم نوین جامعه‌شناسی سیاسی جدید ایران محمد توحیدفام
۶. نظریه آشوب؛ مدلی برای تحلیل پیچیدگی فضای سیاسی ایران سیدحمداالله اکوانی؛ سید ولی موسوی‌نژاد
۷. رسانه و قدرت: سیمای سینمایی خاورمیانه سید مجید حسینی؛ رسول افضلی؛ لیلا رنجگر؛ رضا مختاری



در کجا ایستاده ایم؟

تامل در نظریه انحطاط

پاسخ‌های دکتر سید جواد طباطبایی

■ مقدمه

انجمن علوم سیاسی ایران به همراه گروه روندهای فکری مرکز مطالعات خاورمیانه، روز یکشنبه چهاردهم مهر ماه ۱۳۹۲، دومین نشست تخصصی از مجموعه "در کجا ایستاده ایم؟" را برگزار کرد. روال این نشست‌ها بدین منوال است که اعضای گروه روندهای فکری، آثار یکی از صاحب نظرهای شاخص ایرانی را انتخاب و به صورت تخصصی مطالعه می‌کنند، سپس با دعوت از صاحب آن نظریه، نقدها را به بحث گزارده، و در انتها پاسخ صاحب نظر مزبور را گوش می‌دهند. آنچه در پی می‌خوانید مشروح دومین نشست مزبور است که با حضور دکتر سید جواد طباطبایی، دکتر قدیر نصری، مهدی روزخوش (دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس) و سلمان صادقی زاده (عضو گروه روندهای فکری و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی در دانشگاه تهران) برگزار گردید. این نشست در ساعت ۱۷ به میزبانی خانه اندیشمندان علوم انسانی آغاز و پس از سه ساعت مباحثه به پایان رسید.

■ معنا و مقام اندیشیدن در جامعه امروز

آغازگر بحث این نشست دکتر قدیر نصری، عضو هیات علمی علوم سیاسی از دانشگاه خوارزمی بود که مقدمه خود را به تعریف اندیشیدن و اندیشه سیاسی اختصاص داد. به گفته وی اندیشیدن به هستی‌شناسی (آنچه برای شناخت برگزیده ایم) و معرفت‌شناسی (حدود و صلاحیت فهم ما از آن چیز) را نمی‌توان اندیشه سیاسی نامید. اندیشه سیاسی هنگامی رخ می‌دهد که به غایت نظم سیاسی، حدود حق حاکمیت، موضوع حق اعتراض و به تبع

آنها به مفاهیمی مانند آزادی، امنیت، رفاه و کرامت و مسئولیت انسان پرداخته شود. بر این اساس، اندیشه سیاسی، شکل دهنده تصمیم سیاسی است و تصمیم منهای تامل فکری، مخاطره‌ای است بس عظیم! به گفته دکتر نصری، تصمیم مبتنی بر اندیشه صائب می‌تواند حیات انسان‌ها را بارور کند و بالعکس، یک تصمیم سیاسی شتابزده می‌تواند هزاران هزار انسان را مایوس و ناامید کند. بنابراین اندیشیدن برای سیاست ورزی، اهمیتی حیاتی دارد.

نکته مهم دیگری که دکتر نصری بدان تصریح نمود این بود که "تصمیم سیاسی و کار اندیشه‌ای مانند کار دندانپزشکی نیست که نهایتاً دندان‌دانی یا دندان‌های را ترمیم می‌کند. این حرفه البته در جای خود ضرورت دارد ولی به هر حال مقدمه‌ای است برای بهتر زیستن! پس از آنکه این مقدمات ضروری (مانند دندان سالم و ...) مهیا شدند، تازه اندیشیدن و هنر و تبحر سیاست ورزی آغاز می‌شود. اهمیت چنین حرفه‌ای و چنین دانشی وقتی خوب و عمیق مشخص می‌شود که به یک نکته دیگر توجه کنیم و آن اینکه انسان‌ها فقط یک بار متولد می‌شوند و عمر مانند تیری که از کمان می‌رود، به سرعت سپری می‌شود و در این فراگرد، ما حق نداریم این یگانه حق اساسی را تباہ و کوتاه کنیم. تصمیم سیاسی درست و مبتنی بر اندیشیدن، می‌تواند این عمر به سرعت در حال عبور را بارور سازد و تصمیم سیاسی بیگانه از اندیشه هم می‌تواند این یک عمر را سیاه و تباہ کند.

با این وصف اندیشیدن هم ظریف است و هم حیاتی! چون با حیات انسانهای پرشماری سروکار دارد. بنابراین، علم سیاست و تصمیم سیاسی، اهمیت والایی در حیات انسان ها داشته و تاریخ و اکنون آن را باید جدی گرفت. کوشش، اثر و نظر دکتر سید جواد طباطبایی هم، بر اساس چنین نگاهی و در چنین فضایی مهم و جدی است."

دکتر نصری در انتهای سخن خود پرسشهایی را مطرح و از دکتر طباطبایی درخواست کرد توضیحی در باب آنها طرح کند. نصری ابتدا از "دلایل ارجاع مکرر و پی در پی به بعضی از منابع"، سوال کرد و در ادامه از طباطبایی سوال نمود که "آیا اکنون پس از قریب به نیم قرن تفحص در اندیشه سیاسی، آیا فکر نمی کنید بعضی دیدگاههای شما اشتباه بوده و نیاز به بازنگری دارد؟!"

■ آثار و افکار سید جواد طباطبایی: روایتی و تاملی

دکتر سید جواد طباطبایی، به عنوان یکی از استادان پرکار و صاحب سبک در پرداخت فلسفی ماجراهای سیاسی، طی دو دهه اخیر هزاران صفحه متن نگاشته و صاحب "نظریه انحطاط ایرانی" است. او طی حدود ده اثر، این ایده را طرح و پیگیری کرده است که دنیای ایران زمین، از قرن سوم و چهارم هجری به بعد، اندیشه و فلسفه سیاسی را ترک گفته و حملات مغولان و گرایش های صوفیانه، مجاللی به بروز و ظهور اندیشه ایرانی نداد. این دیدگاه سید جواد طباطبایی مورد انتقاد نویسندگان متعددی قرار گرفته است. اما، اعضای گروه روندهای فکری این مهم را به صورت تخصصی و فارغ از سوگیری های غیر علمی مورد بحث و فحس قرار داده و به نتایج قابل توجهی رسیدند.

آقای مهدی روز خوش که پایان نامه فوق لیسانس خود در دانشگاه خوارزمی تهران را با تمرکز بر آثار و افکار سید جواد

طباطبایی نگاشته و کار درخشانی را به دفاع سپرده است، پس از روایت ایده مرکزی طباطبایی، تاملات انتقادی خود بر آرای دکتر طباطبایی را چنین گزارش نمود:

۱- "نخستین سؤالی که مهم و اساسی می نماید این است اصطلاح «اندیشه سیاسی ایرانی» است که به کرات در آثار دکتر طباطبایی آمده و به نظر می رسد ایشان آن را مفروض گرفته اند در حالیکه مضمون و قراین آن روشن نیست! آنچه ما در سیاستنامه های دوره ساسانی که به دوره اسلامی منتقل می شوند می بینیم بحث درباره خصوصیات فردی شخص حاکم است نه مناسبات سیاسی به معنای دقیق کلمه، سیاست در این آثار، تمشیت امور است و البته گاهی هم تنبیه و مجازات، همان طور که مستحضرید اندیشه سیاسی از زمانی موضوعیت پیدا می کند که بحث از رأس هرم قدرت سیاسی (قبله عالم) به ضوابط و نهادهای اعمال قدرت منتقل می شود و مسئله قانون به عنوان امری انتزاعی که از هر شخصی استقلال دارد به میان می آید. خود حضرتعالی گفته اید که شاه آرمانی در کانون اندیشه سیاسی ایرانی قرار داشته و دگرگونیهای سیاسی و حوادث تاریخی با توجه به تحولات شاهی آرمانی قابل توضیح بوده است. اما به اعتقاد شما، به دنبال یورش مغولان روایتی از تصوف عامیانه جانشین اندیشه سیاسی ایرانی شد و با تبدیل آن به الگو و نظام گفتاری مسلط اندیشه در ایران، همه عناصر و مفردات اندیشه ایرانی با توجه به منطق آن مورد تفسیر قرار گرفت و در نتیجه اندیشه سیاسی ایرانی جنبه های آرمانی خود را از دست داد و تبدیل به نظریه سلطنت مطلقه شد. امری که بویژه با ادغام نظریه سلطنت مطلقه در ترکیب تشیع- تصوف- سلطنت در دوره صفوی تثبیت و دریافت عرفانی اندیشه سیاسی ایرانی نیز یکسره در خدمت سلطنت مطلقه



درآمد و نظریه سلطنت مطلقه جانشین اندیشه سیاسی ایران شهری شد. در حالی که برخلاف نظر شما در اندیشه ایران شهری، چون شاه دارای فره ایزدی و برگزیده خداست قانون متحرک محسوب می‌شود و از آغاز هم همین بوده بنابراین «اندیشه سیاسی» نامیدن آن به استدلال اساسی تری نیاز ندارد؟

۲- بحث نوزایش که شما به اقتفای نویسندگان غربی در باره سده های ۳ تا ۶ هجری مطرح کرده اید آیا در مناسبات اجتماعی و سیاسی هم خود را نشان می‌دهد یا خیر؟ اگر نیست دلیل شکاف نظر و عمل چیست؟ آیا این بر نمی‌گردد به اینکه اساس و قوام مدینه اسلامی به خلاف polis یونانی نه به فلسفه بلکه به شریعت بوده است چنانکه فقه در تمدن اسلامی مبنا و اساس مناسبات و تعاملات اجتماعی بوده است و به نوعی نقش «حکمت عملی» را ایفا می‌کرده است بنابراین چه بسا که پژوهش در فراز و فرودهای الهیات و تفکر دینی بهتر بتواند تاریخ ایران را از منظر اندیشه توضیح دهد و مبنایی درون مان (ازدرون)

نظر نرساند، مسئله دیگر آنکه آیا این به آن معنا خواهد بود که سایر لایه های سنت (ایران باستان، اسلام و فلسفه یونان) در تجدد مستحیل خواهند شد؟

۴- یکی از عواملی که آقای دکتر به عنوان زمینه سازهای انحطاط نام برده اند مسئله عرفان و بی‌اعتنایی به دنیاست اما در تاریخ غرب پروتستانتیزم جز این نبود یعنی مروج بازگشت به زهد مسیحایی و پرهیز از آلودگی به دنیا بود اما به ضد خود تبدیل شد و منشأ تحولات اساسی در جهت بسط تجدد و بویژه مناسبات سرمایه دارانه گشت که و بر آن را شرح داده است چرا یک اندیشه در جایی باعث انحطاط میشود و در جای دیگر باعث تحول به سوی دنیای جدید؟

پس از مهدی روز خوش، سلمان صادقی زاده هم با تحسین بانیان و حامیان این نشست با شکوه، رجوع به آرای دکتر طباطبایی را قرینه ای بر موثر بودن آن لحاظ نمود و خاطر نشان ساخت که استاد طباطبایی به رغم کوشش های سترگ، مواردی را مبهم و قابل تامل باقی نهاده است که از



برای «طرحی از نظریه انحطاط» قرار گیرد تا تحلیل سیر نزولی اندیشه فلسفی و سیاسی، بویژه با التفات به این نکته که دکتر طباطبایی نتایجی را که از تحولات حوزه اندیشه می‌گیرد به تمدن ایرانی - اسلامی تعمیم میدهد البته آقای دکتر این کار را تا حدودی در آثار خود انجام داده اند و سیطره تفسیر شرعی از شریعت به عنوان یگانه درک از دیانت متعاقب حمله مغول را از دلایل انحطاط دانسته اند اما به صورت استطرادی و مجمل.

۳- نکته سوم اینکه، آقای دکتر در آثار خود بارها به مسئله سنت پرداخته و بویژه مسئله نقد سنت از مجرای اندیشه جدید را طرح کرده اند که ابهام زیادی دارد این با تحولی که در سنت مسیحی صورت گرفته در تعارض است چرا که در غرب تحول از درون سنت بدون هیچ طرح پیش ساخته و غایت عملی صورت گرفته است. تامس آکوئیناس و ویلیام اکام سنت را از سکوی تجدد نقد نکرده اند اما ما با سنت مواجه ایم و چه بسا که نقد سنت الزاماً ما را به مقصد مورد

جمله آنها می‌توان به بندهای زیر اشاره نمود:

۱. "جناب استاد! با توجه به اینکه اندیشه سیاسی مستقیماً به چرایی و چگونگی تولید و توزیع قدرت می‌پردازد و از این رو که اندیشه سیاسی و به تبع آن نظریه سیاسی مفاهیمی به ویژه انضمامی اند، آیا می‌توان اندیشه های فارابی، ابن سینا، شیخ شهاب الدین سهروردی و متفکرانی از این دست را که بن مایه اندیشه آنها بیش و پیش از هر چیز فلسفه سیاسی و عمدتاً کلامی است، اندیشه سیاسی به شمار آورد؟ آیا ما اساساً تا این حد در تاریخ خود اندیشه سیاسی داشته ایم؟

۲. در صورت آنکه فرض را هم بر این بگیریم که اندیشه سیاسی در تاریخ فکر ما جاری و ساری بوده است، آیا می‌توان اندیشه سیاسی در ایران را همچون اندیشه سیاسی در غرب با تحولات کلان سیاسی و اجتماعی در پیوند دید؟ برای نمونه ما در غرب شاهد این مسئله هستیم که اندیشه سیاسی از ساحت بسیار بالایی برخوردار بوده و مبدأ و مبدع

بسیاری از تغییرات است. مثلاً ما جان لاک را پیامبر انقلاب انگلستان و روسو را پیامبر انقلاب فرانسه می دانیم. در حالیکه اندیشه سیاسی در ایران نه تنها تأثیر به سزایی نداشته بلکه بیشتر رویه ای تجملی داشته است تا جایی که هرگاه سخن از مسائل مهم پیش آمده، اندیشه سیاسی دامن برچیده و محفل را به دیگران واگذار نموده یا اساساً به بیرون پرتاب شده است. از این روست که می بینیم اندیشه سیاسی نه در پیوند با عوام بلکه در پیوند با خواص رشد یافته است. اگر اینگونه باشد چطور می شود انحطاط ایرانیان را بر بستر فکر سیاسی تحلیل کرد؟

۳. شما از رویکردی هگلی به اندیشه های سیاسی در ایران نگریسته اید و شاید بتوان نقطه مقابل مفهوم روح در دیالکتیک هگل را، مفهوم اندیشه در آثار شما دانست. با این وجود در اندیشه هگل فرایند ایجابی-سلبی تز و آنتی تز و سنتز را باید در کنار سه فرایند از خودبیگانگی، خود یابی و بازگشت به خویشتن فهمید. فرایندهایی که در امتداد آنها روح خود را تولید، توجیه و تصحیح می کند. لذا در پدیدارشناسی روح هگل آنتی تز موجودی نیست که تز را سراسر حذف نماید. به بیان دیگر رابطه میان تز و آنتی تز رابطه ای ایجابی-سلبی است و نه سلبی صرف. یعنی آنتی تز نه با حذف تز بلکه با لقاح با آن - که در یک زمان هم ایجابی است و هم سلبی - موجودیتی جدید را می سازد. اما ما می بینیم که در آثار شما رابطه سنت و تجدد رابطه ای سلبی است و گویا تجدد پا بر جای خالی سنت می گذارد و نه پا بر دوش آن. این تفاوت را چگونه توجیه می کنید؟

۴. در آثار شما سخن از نقد و جرح سنت از سکوی تجدد رفته است که البته معقول و منطقی می باشد. در این راستا شما تصوف و عرفان را به عنوان عوامل انحطاط در ایران برمی شمارید. اما تجربه غرب حاکی از آن است که تجدد بر خاک سنت روییده است. مثلاً اگر گفته ماکس وبر را مبنی بر اینکه پروتستانسیسم خالق مدرنیته بوده بپذیریم، آنگاه با توجه به پدیده پروتستانسیسم به نتایج متفاوتی خواهیم رسید. این مذهب خود متشکل از چهار زیر مجموعه اصلی یعنی کالونسیسم، متدیسیسم، باپتیسیسم و پیتیسیسم بوده است که همگی از مکاتب ریاضت کشی روح بوده و صبغه ای عرفانی و متصوفانه داشته اند. در غرب این نحله ها نه تنها از سر راه تجدد بر نداشته شدند، بلکه خود راه عبور تجدد گردیدند. حال چگونه می توان با در نظر گرفتن این تجربه تجدد را بر مبنای حذف کامل سنت توجیه کرد؟

۵. شما در بخش هایی از کتاب زوال اندیشه سیاسی در ایران، تصوف و حمله مغولان را به عنوان دلایل شامگاه اندیشه سیاسی در ایران برشمرده اید، آیا این دلایل خود معلول مسائل اجتماعی دیگر نبوده اند؟

۶. ما در طرح مباحث مدرنیته و تجدد بیش از آنکه از دکانستراکسیون سخنی به میان آوریم مبنای کار را بر کانستراکسیون قرار می دهیم، حال چگونه می توان دکانستراکسیون را که مفهومی پست مدرن است بتوان راه حلی برای ورود به تجدد برشمرد؟

■ مشکله ی ایران

دکتر سید جواد طباطبایی در پاسخ به نقد های مطرح شده، بحث خود را با شرح "ما کجا ایستاده ایم؟"، شروع کرد. از نگاه ایشان، "ابتدا منتسکیو بود که در مواجهه با یک ایرانی در پاریس "در کجا ایستاده ایم؟" را طرح نمود و از یک ایرانی پرسید که چگونه می توان ایرانی بود و وقتی می گوئیم ایرانی هستیم، دقیقاً چه منظوری داریم. طباطبایی تصریح نمود که من با موضوع ایران یا مسأله ایران کار ندارم، پروژه من مشکل یا Problem ایران است. من قصد داشته ام یک پرسش درونی مطرح کنم و به دور از تقلید و ظاهر بینی، به تفحص در درون ایران و فکر ایرانی بپردازم.

طباطبایی در بیان نسبت خود با دستگاه هگلی تصریح داشت که اتفاقاً اندیشه من به سیاق هگل، دیالکتیکی نیست بلکه استراتژیک است و فعلاً بنا ندارم بگویم که این فکر را از چه کسی گرفته ام. شاید توجه به بحث لئواشترانس در مبحث هنر نویسندگی و پنهان نگاری و ذکر مطالب در بین سطور، روشننگر باشد که من چه گفته ام و چه در سر داشته ام.

به باور طباطبایی، ایران یک مشکله یا Problem است که باید پایه آن را فهمید ما اینجا توضیح المسائل نداریم بلکه توضیح مشکل داریم. به تعبیر حافظ، که بخشی از حافظه ایرانیان در مشکل شناسی را تشکیل می دهد، مشکل ما مسأله نیست بلکه معماوار است آنجا که می گوید:

مشکل خویش بر پیر معان بردم دوش
کو به تایید نظر حل معما می کرد

بر این اساس، ایران یک معما است و باید آن را به تایید نظر برسانیم. نباید فراموش کرد که ایران قلب فرهنگ منطقه است و این باید توضیح داده شود. بد نیست به مقام یونان در فرهنگ غرب توجه کنیم تا مقام ایران در جهان اسلام را درک کنیم. همانگونه که یونان، جهان باستان دارد و جهان جدید ندارد یعنی مجموعه ای متداوم است، ایران هم مجموعه ای متداوم یافته است و دیروز ایران همواره در امروز آن حضور دارد. این نکته را می توان در سالیان پس از ورود اسلام به ایران مشاهده نمود، آنجا که ایرانیان، داشته های دیرین خود را در درازای زمان پاس داشتند. مثلاً زبان فارسی را نگهبانی کردند و عربی سخن نگفتند. این در حالی بود که مصریان به سهولت عرب شدند و ملل دیگر نیز به همین ترتیب، هویت پیشین خود را از کف دادند. به گفته طبری در قرن سوم هجری، ایرانیان از حیث تداوم و مداومت تاریخی موقعیت ممتاز بلکه ممتاز ترین موقعیت را دارند. این مهم را گوبینوی فرانسوی هم گفته، او ایران را به یک خارا تشبیه نموده که همواره از گزند باد و طوفان و باران مصون و برجا مانده است. بنابراین، نظریه "جامعه کلنگی" که اخیراً از جانب نویسنده ای عنوان شده، قرین صحت نیست و نافی گذشته تاریخی ایران است. به خاطر همین پیشینه، اندیشه سیاسی ایران شهری نه تنها وجود دارد بلکه بسیار هم بنیادی است، چون تداوم ایران تداوم یک اندیشه است. زبان فارسی، فقط یک زبان نیست بلکه روح و جان ملتی ۲۵۰۰ ساله است که ایستاده و از پس دهها حوادث، همچنان بر جا مانده است. خوب

است بدین نکته توجه دهیم که ایران طی ۱۳۰۰ سال اخیر، حتی یک نظریه پرداز خلافت ندارد. در حالیکه در سایر نقاط جهان اسلام متفکران اخوان، سلفی ها و طالبان را می بینیم که همگی در پی احیای خلافت اند، اما ایرانیان همواره در پی یک شاه آرمانی بوده اند که محور اندیشه ایرانشهری محسوب می شده است. به تعبیر حافظ، همه سموم آمدند و رفتند اما یاسمن بر جای خود باقیست."

طباطبایی در ادامه سخنان خود تصریح نمود که از قرن سوم و چهارم هجری، روند زوال اندیشیدن در ایران نضج گرفت و به تدریج ضعیف تر گشت تا اینکه در دوران مشروطه کلاً خاموش شد. در این دوران دیگر از فردوسی و حافظ خبری نیست.

دکتر طباطبایی، با مقایسه اسلام و مسیحیت اظهار داشت که اسلام بر خلاف مسیحیت، دین رهبانیت و ترک دنیا نیست که در آن اصلاح دینی ضرورت داشته باشد. اسلام به پذیرش دنیا هم توجه دارد و سکولاریزاسیون یعنی قبول اینکه اسلام نسبت به دنیا نگاه ایجابی دارد و آن را می پذیرد. اسلام دین تعادل دنیا و آخرت است، اما روشنفکران دینی این موضوع را درست متوجه نمی شوند چون سوال را درست مطرح نمی کنند. روشنفکران دینی نتوانسته اند روی تعادل دین - دنیا در اسلام، نظریه ای تاسیس کنند، حتی غزالی هم موفق به این کار نشد و نهایتاً تعبیری آن دنیایی از اسلام عرضه نمود.

توصیه دکتر طباطبایی این بود که باید فهم فلسفی ادبیات و ادب

در ایران را جدی گرفت و مانند آلمانیها اشعار شاعران را فهم فلسفی کرد، سنت که در درون خود طرح پرسش می کند اهمیت دارد، باید از همین سنت طرح پرسش کرد و این نیازمند اندیشیدن مجدد از درون است البته این به معنای بومی سازی متعارف و کم مایه نیست. بومی کردن مشابه سنتز تومیستی است یعنی نشان دادن درونی چفت و بست ها و نسبت مفاهیم با یکدیگر. برای بومی کردن باید از درون در نظام اندیشیدن نفوذ کرد و از کارهای سطحی گذر کرد.

دکتر طباطبایی در پایان سخن خود ضمن تاکید مجدد بر اهمیت پرسش "ما کجا ایستاده ایم؟"، توصیه کرد که نسل جوان باید اندیشه بخواند، متن های اصلی را خوب ببیند، از کارهای سطحی اجتناب ورزد و کلید یا گرانیگاه هر متن را کشف کند چون هر متنی یک ایده اصلی دارد و هدف خواندن، کشف آن کلید یا نکته اصلی است. باید با ذهنی پیراسته از ذهنیت ها به سراغ آثار متفکران رفت، که البته لازمه آن آشنایی به زبانهای خارجی و آموختن دو یا سه زبان - علاوه بر انگلیسی - است تا نکته اصلی هر متن که در زوروقی پیچیده شده است، فرا چنگ آید."

گفتنی است این نشست علمی پس از سه ساعت مباحثه به پایان رسید. دکتر طباطبایی به برخی پرسشها پاسخی مفصل داد. این تفصیل موجب تأمل عمیق در وجوه بحث گردید. هر چند به ناچار بسیاری پرسشها را تحویل دکتر طباطبایی دادیم تا در مجالی دیگر به این ملاحظات طرح پاسخ کند.

پرونده اندیشه

۱۳ فرسنگان

۱۲ فرسنگان

پرونده اندیشه

گزارش از بازتاب نخستین نشست از پروژه «در کجا ایستاده ایم؟»

برگزاری نخستین پلان از پروژه «در کجا ایستاده ایم؟» با محوریت اندیشه دکتر سید جواد طباطبایی، که رهین تلاش های گروه روندهای فکری مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه به عنوان طراح و نیز شاخه دانشجویی انجمن علوم سیاسی ایران و خانه اندیشمندان علوم انسانی بوده است، در روز یکشنبه چهاردهم مهرماه، نه تنها با استقبال فوق العاده دانشجویان و دانشوران علم سیاست و اندیشه سیاسی روبرو شد، بلکه در نشریات پر انتشار و رسانه های گروهی کشور نیز بازتاب گسترده ای داشت. این بازتاب گسترده به نوعی بازگو کننده ی ضرورت و نقش برگزاری برنامه هایی از این دست و نیز جای خالی پژوهش و پرداختن به اندیشه سیاسی در ایران می باشد. اختصاص دادن یک صفحه کامل به این نشست در روزنامه های شرق و فرهیختگان گواهی بر همین مدعاست. روزنامه شرق در ۱۶ مهر، گزارشی را به این نشست اختصاص داده و سخن مرکزی دکتر طباطبایی در این نشست را از یک سو نقد روشنفکران ایرانی

بواسطه تقویت قدرت سیاسی و تأکید بر وجود اندیشه سیاسی نظام مند ایرانشهری به عنوان یک رهیافت مستقل و دارای ابعاد، مولفه ها و دیدگاه های خاص خود دانست. روزنامه فرهیختگان نیز با اختصاص یک گزارش مفصل به این نشست و نیز پرداختن به پروژه «در کجا ایستاده ایم؟» بازتاب مفصل و دقیقی از این نشست ارائه نمود.

همچنین رسانه های مجازی با ارائه گزارش هایی به تشریح این موضوع پرداختند. سایت های مانند: جوان آنلاین و ایسنا و همچنین وبلاگ های شخصی و دانشجویی و حتی سایر شبکه های اجتماعی همچون فیس بوک، مطالب مطرح در جلسه را انعکاس دادند. به نظر می رسد تداوم نشست های این پروژه باعث استقبال هرچه بیشتر علاقه مندان و نشریات و رسانه ها خواهد شد.

پروژه‌های ناتمام

دکتر حمید رضا رحمانی زاده دهکردی

■ مقدمه

کمیته دانشجویی انجمن علوم سیاسی و گروه روندهای فکری مرکز مطالعات خاورمیانه، چندی است خوانش متن های دوران ساز را برنامه خود کرده اند. اولین نشست این برنامه با حضور دکتر حمیدرضا رحمانی دهکردی، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبایی، روز یکشنبه هفتم مهر ماه ۱۳۹۲ و در سالن همایش های انجمن علوم سیاسی برگزار گردید. متنی که دکتر رحمانی دهکردی برای این نشست پیشنهاد داده بود مقاله معروف "مدرنیته در مقابل پست مدرنیته" (اثر یورگن هابرماس) بود که در زمستان ۱۹۸۱ و در مجله New German Critique منتشر گردیده است. دکتر رحمانی دهکردی، با مرور مضمون این مقاله، در صدد پاسخ به این پرسش بر آمده است که "چرا ما نمی توانیم مقاله موثر و جهانی بنویسیم و خصایص سلبی و ایجابی مقالات تاثیر گذار جهانی کدامند؟" ایشان قصد دارند به قراری که در زیر می آید پاسخ آن پرسش را با تأمل در روش و مضمون مقاله مزبور جست و جو نمایند، آنچه در پی می خوانید مشروح سخن دکتر رحمانی دهکردی و پرسش و پاسخهای انتهای نشست می باشد.

■ متن های تاثیر گذار جهانی

متن های تاثیر گذار جهانی، مجموعه ای از خصایص سلبی و ایجابی را دارا هستند که آن ها را متمایز می سازد. از حیث سلبی، متن تاثیر گذار جهانی، باید متد مناسبی داشته باشد. در حوزه ایجابی هم، مقاله موثر مقاله ای است که تز رادیکالی عرضه کند، فرضیه رادیکالی داشته باشد به گونه ای که با وضوح بتوان وجوه تمایز آن را از متن های موجود تشخیص داد. به عبارت دیگر مقاله ای که مدعیات موجود را تکرار و تبیین می کند نمی تواند موثر و جهانی باشد.

برای آزمون این فرضیه، بهتر است به یک مقاله بسیار معروف و جهانی هابرماس (مدرنیته در مقابل پست مدرنیته) تمرکز کرده، متد و مضمون آن را مورد توجه قرار دهیم.

■ نقطه عزیمت بحث هابرماس

هابرماس در این مقاله، مدرنیته را پروژه ای نا تمام می شمارد و بر آن است که آنچه از مدرنیته به نمایش نهاده شده، وجوه ظاهری، خشن و سلطه گرانه و نه رهایی بخش مدرنیته بوده است. وی پس از بازدید از نمایشگاهی در ونیز که مضمونش سیاه نمایی مدرنیته و مقصر دیدن آن به خاطر ناملايمات زندگي مدرن بود، تصریح می کند که برگزار کنندگان نمایشگاه مزبور، دستاوردهای مدرنیته را در مسلخ تاریخی گری قربانی کرده، با چشم بستن بر رهاوردهای رهایی بخش بالفعل و بالقوه مدرنیته، یکطرفه به محاکمه مدرنیته پرداخته اند. از نگاه هابرماس، منتقدین مدرنیته، همگی محافظه کارند و به رغم داعیه های ترقی خواهانه، از لحاظ بنیادی، محافظه کار هستند. برای اینکه آن ها هویت خود را از طریق نقد دیگری (نه طرح یک اثر و نظر مستقل) به کف آورده اند و پیش قراولی آن ها صوری و ظاهری است. از این رو می توان گفت که نقد صرف دیگران یا به زیر کشیدن دیگری، لازمه متن دوران ساز و تاثیر گذار نیست. آنچه مهم است طرح یک ایده مشخص و مستقل از دیدگاه دیگران است.

■ مدرن بودن چیست و رهاورد مدرنیته کدام است؟

طبق نوشتار هابرماس در مقاله "مدرنیته در مقابل پست مدرنیته"، واژه مدرن ابتدا در قرن پنجم میلادی و برای تمییز حال مسیحی با گذشته ای کفر آلود به کار گرفته شد. پس از قرن دوازده میلادی، شارل کبیر هم آن را به کار گرفت و در ادامه در قرن هفدهم و در دوره موسوم به روشنگری بود که اصحاب روشنگری از واژه مدرن بهره گرفتند. قبل از دوران

روشنگری، مدرن به خط تمییز اکنون از گذشته به کار می رفت، اما از دوره روشنگری به بعد، مدرن بودن با پیشرفت گره خورد. در روایت قرن نوزدهمی، مدرن بودن به شیوه ای رمانتیک ستایش گردید. اما به عقیده هابرماس در اواسط قرن ۱۹، گودلر، جنبش سوررئالیست ها، و داودنیست ها و آوانگارها بودند که مدرن بودن را مورد توجه جدی قرار داده و به کار گرفتند. این جنبش ها همگی، گسستن از گذشته و ستایش وضع اکنون را پیشه خود کرده بودند و در پی آن بودند که زنجیره تاریخی و مداومت در تاریخ را منفجر ساخته، بنای اکنون را از نو برپا دارند.



به واقع می توان گفت همه آن ها قصدی آنارشستی داشتند. از نگاه آنارشستی های مدرن، تأویل گذشته باید از پنجره اکنون باشد. حتی چیزها و آثار کلاسیک و سنتی هم، به این دلیل ارزشمندند که توانسته اند در زمان حال دوام داشته باشند. از این رو، حال و زمان حال یک وضعیت مهم نظری است. در همین راستا، هابرماس به بحث بنیامین در خصوص تاریخ اشاره کرده، می گوید: بنیامین در زیر مفهوم تاریخ، از واژه "زمان اکنون" بهره گرفته است و تصریح نموده که تاریخ تجلی نگاه و خواست فاتحان و پیروزمندان است و مطالعه تاریخ به صورت رویه های پی در پی و متداوم، مورد توجه و خواست حاکمان و طبقه حاکم است. از این رو تاریخ هم، به خاطر

توضیح اکنون، مهم است چون با بهره گیری از زمان حال، تاریخ را محاکمه می کنیم، اخگر امید در دل تاریخ می افکنیم تا از کنش های سرکوب شده، اعاده حیثیت کنیم. پس تاریخ، ساختاری است مربوط به اکنون و تاویلی است از گذشته. هابرماس با استفاده از روایت بنیامین در باب تاریخ و برداشتی که از ماکس وبر گرفته، ایده پروژه نا تمام مدرنیته را عرضه می دارد. او در این نظریه کوشیده است بگوید که ناهنجاری های متعارف در مدرنیته، عرضی اند، معلول دستگاه مدرنیته نیستند و به جای دیگری مربوط و متصل اند.

به گفته هابرماس، خرد برآمده از روشنگری در سه حوزه است: حوزه اول، حوزه علم است که منطق آن خرد ابزاری است نه خرد ارتباطی. حوزه دوم، حوزه اخلاق است که اعتبارش را از هنجار می گیرد و حوزه سوم به هنر تعلق دارد که از زیبایی تغذیه می کند. از نگاه متفکرین روشنگری، این سه حوزه می توانند باعث رهایی بشر شوند و از عمق و دامنه مشکلات موجود بکاهند و این پروژه ای است قابل دفاع. به باور هابرماس، همسو با تخصصی شدن حوزه های سه گانه، آن سه از عرصه روزمره و مفاهمه ای به دور افتادند؛ مثلاً در حوزه هنر، هنر نه با نیکی بلکه به اعتبار غایتی در درون خودش یا هنر برای هنر، تعبیر شد. از این رو برای رهایی بخشی، حوزه سه گانه مزبور باید با همدیگر هماهنگ شوند و مدرنیته همچنان این توان و قابلیت را دارد که منادی رهایی باشد.

مخالفان مدرنیته و پاسخ های هابرماس به آنها

هابرماس در قسمت دوم مقاله جهانی خود به طرح این پرسش پرداخته است که چرا مخالفان مدرنیته، اعم از محافظه کاران جدید، محافظه کاران کلاسیک یا سنتی و نیز پسا ساختار گرایان قادر نیستند منطق رهایی

بخش مدرنیته را بپذیرند و چرا راه را اشتباه رفته اند.

او ابتدا به محافظه کاران جدید پاسخ می دهد و خاطر نشان می سازد که محافظه کاران جدید، بسیاری از ناهنجاری ها را معلول مدرنیته می شمارند. به عنوان مثال، دانیل بل، در نقد مدرنیته تصریح می کند که مدرنیته و تکنیک، جهان زیست را آلوده ساخته و راه رهایی از سیطره آن، بازگشت به تعالیم و باورهای مذهبی است.

هابرماس، بر محافظه کاران جدید سه ایراد می گیرد: اولاً محافظه کاران جدید بین مدرنیته و ناهنجاری های امروز، نوعی همبستگی ضروری برقرار می کنند و این کاذب است و درست نیست. آنچه سبب ناهنجاری شده، مدرنیزاسیون است نه مدرنیته. مدرنیته، پوشش نظری و تاریخی است. اما مدرنیزاسیون با ترویج خرد ابزاری و حوزه سیستم، عملاً خرد ارتباطی و حوزه زندگی را محدود و محدودتر می سازد. سیستم، یعنی نظامی که فرایند سرمایه داری در آن کار می کند و این سیستم رفته رفته عرصه زندگی و رهایی را از بین می برد. ثانیاً محافظه کاران جدید و طرفداران دانیل بل، به جای اینکه با تکیه و با تمرکز بر موضوع استدلال بیاورند به خود شخص یا موقعیت ها حمله می کنند و دلایل مرتبط به موضوع را به کناری می نهند. ثالثاً، محافظه کاران جدید مدام می گویند مدرنیته در حال زوال است، معلوم نیست که مدرنیته ای که خود در حال زوال است زیست جهان را به سمت نابودی می کشد.

هابرماس، به محافظه کاران جوان یک پاسخ دیگر هم می دهد و آن اینکه محافظه کاران جوان مدرنیته فرهنگی را قبول و سایر وجوه آن را نفی می کنند. با این وصف، محافظه کاران جوان به جای توسل به استدلال و خرد، به احساسات و

مضامین غیر عقلانی متوسل می شوند. پاسخ هابرماس به محافظه کاران پیر یا سنتی هم این است که آنان دیدگاهی واپس گرایانه یا ارتجاعی دارند و برای رهایی از نابسامانی های اکنون، بازگشت به گذشته را پیشنهاد می کنند.

به طور کلی هابرماس، در این مقاله سه کار اساسی را انجام می دهد که حداقل از حیث متد می تواند مفید باشد: او در گام اول با بررسی دیدگاه های ضد مدرنیته، به ترسیم وضع اکنون یا موجود می پردازد. او در گام دوم، به آسیب شناسی دیدگاهها و نقد و ارزیابی آن ها همت گمارده و نهایتاً چشم انداز مطلوب را تشریح می کند که از نگاه وی عبارت است از پیشبرد پروژه روشنگری و به فرجام رساندن آن به مثابه پروژه ای ناتمام

پرسش و پاسخ

در بخش پایانی نشست مزبور، پرسش هایی از دکتر رحمانی زاده دهکردی طرح شد که حول محور مقاله های هابرماس بودند. اولین پرسش را دکتر قدیر نصری از دانشگاه خوارزمی مطرح کرد و ضمن تحسین نقطه عزیمت بحث دکتر دهکردی، از کانون های سه گانه تراکم سلطه از نگاه هابرماس (حزب، شرکت و ایدئولوژی) سوال نمود و مشخصاً این پرسش را پیش کشید که تولید متن موثر و جهانی چه نسبتی با تعهدات سیاسی، همسودی اقتصادی و التزام ایدئولوژیک دارد و آیا می توان بین این سه و تولید متنی رهایی بخش و معطوف به حقیقت، نسبتی برقرار کرد؟ سوال دیگر را آقای مقدم شاد (عضو گروه روندهای فکری و دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی در دانشگاه تهران) مطرح کرد و از ممیزات اندیشه هابرماس نسبت به آموزه های روشنگری پرسید. مقدم شاد تصریح نمود که آیا سخن هابرماس در مورد مدرنیته، نوعی تکرار ادعاهای اصحاب روشنگری نیست و چه مواردی را می توان فصل خاص هابرماس قلمداد کرد؟

نشست مزبور با پاسخ دکتر رحمانی زاده دهکردی به پرسش های مزبور خاتمه یافت.

گزارش از سایت جدید انجمن



در عصر ارتباطات، شاهره های ارتباطی و اطلاعاتی آن چنان تسهیلاتی در تحقیقات و گسترش علوم فراهم کرده اند که کمتر محقق از اهمیت و ارزش آن غافل است. شبکه جهانی اینترنت به عنوان یکی از آسان ترین و سریع ترین ابزارهای جریان آزاد اطلاعات بوده و برای اعضا و مخاطبان علمی انجمن علوم سیاسی ایران نیز اهمیت فراوانی دارد. هم اکنون وب سایت انجمن علوم سیاسی ایران که دهه ای پرکار از فعالیت های دانشمندان علم سیاست ایران را پوشش داده است گام به راهی جدید گذاشته و با حمایت اعضا و اساتید، هم از لحاظ محتوا و هم از نظر فنی ارتقایی دوباره یافته است. امکانات مدرنی مانند گردش محتوای الکترونیک بین نویسندگان سایت و نمایندگان استانی و دانشگاهی در نسخه جدید پیش بینی شده و امید می رود با مضامین علمی و کارآمدی رسانه ای خود گامی موثر در اعتلای علوم سیاسی ایران بردارد. لازم است در اینجا از حمایت های دکتر مقصودی، رئیس محترم انجمن و اعضای محترم هیات مدیره و زحمات قابل تقدیر سرکار خانم ماندانا سجادی که زحمت های زیادی در به روزرسانی سایت انجمن کشیده اند و سرکار خانم مقدس کارشناس محترم انجمن و جناب آقای علیرضا عسگری تقدیر نماییم.

صفحه نخست
عقوبت جستجو تماس
ENGLISH

انجمن علوم سیاسی ایران

هابرماس فیلسوف انتقادی در انجمن علوم سیاسی ایران

یکشنبه هفتم مهر ماه 1392
انجمن علوم سیاسی ایران، در ادامه سلسله نشست های بررسی خود، موضوع «هابرماس: مدرنیته، پروژه ک ناماره را با حضور دکتر حمید رضا رحمانی زاده دهنکردک عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، بررسی می کند.

برگزاری پنجمین دوره انتخابات هیات مدیره انجمن

آخرین پنجشنبه خرداد ماه، مجمع عمومی عادی و فوق العاده انجمن علوم سیاسی ایران در خانه اندیشمندان علوم انسانی با حضور جمع کثیری از اعضاء بوسینه انجمن و با نظارت نماینده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد. دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده ایجاد شعبات داخلی و خارجی بود که با اجماع نظر شرکت کنندگان مورد تصویب واقع گردید.

فرخوان مقاله

نشست ها و همایش ها

هابرماس و مدرنیته (۹ مهر)

روندها و آینده تحولت در عصر

چالش های علوم سیاسی کشور

همایش تبیین مفهوم اعتدال

نقد کتاب دکتر سریع القلم

نقد کتاب مجلس و سیاست گذاری در ایران

خبرنامه انجمن

سومین کارگاه روزنامه نگاری سیاسی

انجمن علمی علوم سیاسی ایران در روز پنجشنبه سیزدهم تیرماه 1392 در ساختمان همیشگی انجمن میزبان دانش پژوهان بود. سومین کارگاه روزنامه نگاری سیاسی توسط دکتر امیر دبیری مهر از ساعت 9 صبح الی 4 بعد از ظهر در سه بخش برگزار شد. دبیری مهر پژوهشگر و مدرس علوم سیاسی 18 ساله فعالیت در حوزه های رسانه ای و روزنامه نگاری را در کارنامه خود دارد.

موضوعات انجمن

علوم سیاسی

پیروندهای تصویری

گزارشی از کنفرانس خبری همایش ملی تبیین اعتدال

انجمن علوم سیاسی ایران مهمان جمع کثیری از خبرنگاران بود تا ناگفته هابی از همایش ملی تبیین اعتدال را که 5 و 6 شهریور ماه در سالن آفتاب مرکز تحقیقات استراتژیک برگزار خواهد شد برای اهالی رسانه بازگو کند.

عضو هیات مدیره انجمن علوم سیاسی ایران سرپرست دانشگاه علامه طباطبائی شد

طی حکمی از سوی دکتر جعفر توفیقی سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر حسین سلیمی به سرپرستی دانشگاه علامه طباطبائی منصوب شد. دکتر حسین سلیمی نایب رئیس انجمن علوم سیاسی ایران و دانشیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی پیش از این در دوره اصلاحات رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی بود.

انجمن ها

انجمن جامعه شناسی ایران
انجمن ژئوپلیتیک
انجمن آینده نگری ایران

پیروندها

فصلنامه مطالعات راهبردی
فصلنامه مطالعات ملی

سایت ها

پژوهشکده مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه
مرکز مطالعات ملی جهانی شدن
مرکز تحقیقات استراتژیک
پژوهشکده مطالعات راهبردی
مرکز پژوهش های مجلس
موسسه مطالعات ایران و اوراسیا



بسمه تعالی

کارگروه کارگاه های آموزشی - کاربردی

انجمن علوم سیاسی ایران همزمان با آغاز سال تحصیلی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی با همکاری و مشارکت کمیته های تخصصی خود اقدام به برگزاری دور جدید کارگاه های آموزشی در راستای تحقق اهداف آموزشی و ارتقای سطح دانش و توانمندی کاربردی دانش پژوهان رشته های علوم سیاسی، روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای در فصل پاییز و زمستان ۱۳۹۲ می نماید.

کارگاه های آموزشی انجمن علوم سیاسی ایران در پاییز و زمستان ۱۳۹۲

- کارگاه آموزشی جستجوی پیشرفته دانش سیاسی و روابط بین الملل در اینترنت
- کارگاه آموزشی آشنایی با برنامه OneNote
- کارگاه آموزشی فن ترجمه در دانش سیاسی
- کارگاه آموزشی پروپوزال نویسی
- کارگاه آموزشی مهارت های مذاکرات بین المللی
- کارگاه آموزشی تحلیل گفتمان
- کارگاه آموزشی آینده پژوهی
- کارگاه آموزشی مقاله نویسی علمی در حوزه علوم سیاسی و روابط بین الملل
- دانش زبان تخصصی در علوم سیاسی و روابط بین الملل به صورت آنلاین
- کارگاه آموزشی بررسی تحولات قومی در ایران معاصر
- کارگاه آموزشی روش شناسی مطالعات قومی
- کارگاه آموزشی تدوین پایان نامه
- کارگاه آموزشی اروپا شناسی
- کارگاه آموزشی خاورمیانه شناسی
- کارگاه آموزشی تحلیل و بررسی مسائل سیاسی روز
- کارگاه روزنامه نگاری سیاسی

در برگزاری این دوره از کارگاه ها نیز اساتید شاخص علوم سیاسی و روابط بین الملل مشارکت خواهند داشت . متقاضیان شرکت در این کارگاه ها می توانند ثبت نام خود را حداکثر تا ۱۵ آبان ماه ۱۳۹۲ در دفتر انجمن به انجام رسانند . بدیهی است با توجه به ظرفیت محدود کلاس ها دانش پژوهانی که سریع تر اقدام به ثبت نام نمایند در اولویت خواهند بود . ضمناً به شرکت کنندگان گواهی شرکت در این کارگاه ها اعطاء خواهد شد.

شرایط و محل ثبت نام :

- پرداخت هزینه شرکت در کارگاه های آموزشی به مبلغ ۴۵۰۰۰۰ ریال (۳۰۰۰۰۰ ریال برای اعضای انجمن)
- ثبت نام در دفتر انجمن : خیابان انقلاب، بین خیابان دانشگاه و فخر رازی، خیابان لبافی نژاد، نبش کوچه انوری، پلاک ۱
- تلفن ثبت نام : ۰۶۶۴۹۳۴۱۲، ۰۶۶۹۷۴۱۴۰، ۰۹۱۲۶۳۴۴۶۷۳